

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد م. نسیم «اسیر»
فرانکفورت
اپریل ۲۰۰۳م

قافله عمر

چشم‌ جهان بهم زد و از من جهان گذشت
جان را چه ارزشی است که سازم فدای تو
آسان کجاست بزم وصال تو یافتن
زلف تو پاسبانی حسن تو می کند
چون روح در وجود منت ، راه داده اند
گرچه مرا به خاک زدی از غرور ناز
بی جا ، نه من زیاده بریدم که چون «کلیم»
بینی اگر خمیده قد من ، عجب مدار
دارد جرس ز قافله عمر این صدا
امروز «اسیر» شهد ز شعر تو می چکد

تیری جهان ز شست تو آمد زجان گذشت
بهر تو از جهان و زجان می توان گذشت
صد بار باید از محک امتحان گذشت
شب بایدم که از صف این پاسبان گذشت
ای در بدن چو روح! ز توکی توان گذشت
شادم که قدر حسن تو از آسمان گذشت
«تاب تن از تحمل رطل گران گذشت»
ناچار ازین رواق ، خمید و کمان گذشت
کای غافل از وجود و عدم ، کاروان گذشت
دیروز حرف قند لبش ، بر زبان گذشت

رنج گذشت عمر «اسیر» از چه می خوری

تو در غم بهار نشستی ، خزان گذشت